

برنده‌ها خودشان راپرورش می‌دهند و بازنده‌ها بهانه‌های شان را دستاویز قراردادن اختیارات سازمان ملل بمنظور دستیابی باهدف مورد نظر مسیر موفقیت و پیروزی‌ها گام بگام و پله به پله طی خواهد شد

در اولویت قراردادستن افغانستان بمثابه موضوع مهم منطقی
بازگشت زیرساخت‌های نظامی کشورهای ثالث به میهن ما
چگونگی سرمایه‌گذاری برطیفی از "طالب"ها
رویاً پردازان صادق

در مورد مسایل مورد بحث کنونی، پاره‌ای از نکته‌ها را درباره‌ی برنده‌ها و بازنده‌ها بر می‌شماریم. آنهم بقراردیل: وقتی برنده‌ای مرتکب اشتباه می‌شود می‌گوید: "اشتباه کردم"، اما وقتی بازنده‌ای مرتکب اشتباه می‌گردد، می‌گوید: "تقصیر من نبود"، برنده به بررسی دقیق یک مشکل می‌پردازد و بازنده از کنار مشکل بسادگی می‌گذرد و آنرا حل نشده رها می‌کند، برنده گوش می‌دهد و بازنده فقط منتظر رسیدن نوبت خود برای حرف زدن می‌باشد، برنده از میانه روی و نرمش خود احساس قدرت می‌کند و بازنده هرگز میانه‌رو و معتدل نیست، بلکه گاهی از موضع ضعف و گاهی هم همچون ستمگران رفتار می‌نماید. برنده با افراد برتر از خود احترام قایل بوده و سعی می‌نماید از آنها چیزی بیاموزد و بازنده از افراد برتر از خود، خشم و نفرت دارد و در پی یافتن نقطه ضعف آنان می‌باشد. برنده ارزیابی درستی از توانایی‌های خود داشته و هوشمندانه از ناتوانایی خود آگاه است و بازنده از توانایی‌های واقعی و ناتوانی‌های خود بی‌خبر می‌باشد. برنده مشکل بزرگی را انتخاب نموده و آنرا با جزای کوچک تقسیم می‌نماید تا حل آن آسان گردد. بازنده مشکلات کوچک را آنچنان درهم می‌آمیزد که دیگر قابل حل شدن نیستند. بازنده اگر از دیگران عقب بماند، تندخو و خشن میشود و اگر جلوتر از دیگران باشد بی احتیاطی می‌کند، اما برنده در هرگونه شرایطی قرار گیرد، آرامش و تعادل خود را حفظ می‌نماید. برنده در وجود یک آدم بد، خوبی‌ها را می‌جوید و روی همان قسمت کار میکند و بازنده در وجود یک انسان خوب، بدی‌ها را می‌جوید، از این رویه سختی میتواند با دیگران همکاری کند. برنده سعی می‌ورزد که نسبت به رفتارهای خود، بر بنیاد نتایج منطقی قضاوت کند و رفتارهای دیگران را بر بنیاد قصد و نیت آنها ارزیابی کند و بازنده رفتارهای خود را بر بنیاد قصد و نیت خویش و رفتار دیگران را بنحو خودش ارزیابی مینماید.

می‌بخت امروزی را از اینجا آغاز می‌نماییم که بهمگان واضح و مبرهن می‌باشد که پس از درگیری‌های مسلحانه، "طالب"ها به تقویت نظارت شان در سراسر کشور مبادرت ورزیده و از یک گروه شورشی به دولت‌مردان بالفعل مبدل گردیدند. هیبت الله آخوندزاده قدرت خویش را بمثابه امیرتثبیت نموده و الگوی منحصر بفرد حکومت اسلامی خودش را در سراسر کشور گسترش بخشید. تحکیم قدرت بامر صلح و تأمین ثبات بیشتر در اراضی متعلق به افغانستان کمک نموده و به نتایج دیگری مانند کاهش فساد، تحدید کشت خشکاش و افزایش درآمدهای مالی منجر گردیده که در نوع خود، بحمایت از اقتصاد ضعیف کشور کمک نمود. با اینهمه، جهان و بویژه کشورهای منطقه و دول همجوار افغانستان نگران آن میباشند که با وجود ثبات کنونی، در اکثر سناریوها، کشور عزیز ما را بمثابه منبع ناامنی بویژه برای کشورهای آسیای مرکزی و سایر منطقه می‌پندارند. دول کشورهای یادشده پرسشی را باین شرح مطرح نمودند کآیا مدل موجود حکومتی "طالب"ها علاوه بر افزایش عوامل تروریزم در منطقه و حتا فراتر از آن، قادر خواهد شد تا به معضلات جدی تر موجود، از جمله به مهاجرت‌های دستجمعی، آفت‌های طبیعی، مسایل آب منطقه‌یی، تغییرات اقلیمی و بحران‌های انسانی نیز رسیدگی نماید؟ این مسأله قابل یاددهانی پنداشته می‌شود که علیرغم موفقیت‌های بدست آمده در امتداد عملیات‌های پراه انداخته شده علیه "دولت اسلامی"، گروه اخیر الذکر، برای کشور عزیز ما افغانستان، کشور

های منطقه وحتا برای دولت ها وکشورهای فراتر از آن بمتابۀ تهدید آشکار و جدی محسوب می گردد. بسیاری از دول کشورهای همجوار میهن ما، بویژه نگران توانایی "طالب" ها در امر مبارزه مؤثر با تهدیدهای ناشی از برنامه های پیچیده "داعش" و مقابله با خطر گسترش عملیات خرابکارانه تروریست های گروه یاد شده می باشند.

علاوه برین، "طالب" ها یا قادر نبودند ویا در حقیقت امر اصلن نمی خواستند مانع فعالیت ها و عملکردهای "تحریک طالب های پاکستان" گردند که حملات آنها بسرزمین و اراضی متعلق به پاکستان بیش از هر زمان دیگری افزایش حاصل نموده بود. وضعیت اینچنینی، موجبات نارضایتی اداره اسلام آباد را فراهم نمود. درحالی که "طالب" ها ادعا می نمایند که بمنظور تحدید فعالیت های جنگجویان "القاعده" و شاخه های مربوط بآن، اقدامات وسیع و گسترده ای انجام داده اند، اما کشورهای منطقه خاطر نشان نمودند که سازماندهی مجدد و از سرگرفتن فعالیت های آموزشی گروه یاد شده و همچنان باز دیدهای پی اندر پی بسیاری ها از کشورهای عزیز ما، بازگویی این امر می باشد که "القاعده" هنوز هم در اراضی و سرزمین متعلق به افغانستان حضور دارند. استفاده و بکارگیری از سرزمین و اراضی متعلق به افغانستان تحت حاکمیت "طالب" ها بمتابۀ مکان امن مجاز، پرسش هایی را در مورد نیات آنها ببار می آورد. قابل یاددانهایی پنداشته می شود که نگرانی هایی در مورد هزینه های "طالب" ها بویژه بمنظور تأمین مالی امنیتی و نظامی با توجه به چالش ها و نیازمندی های داخلی شهروندان کشور ما نامتناسب بوده و این پرسش را مطرح نمودند که آیا هزینه های موجود باندازه کافی به نیازها و ضرورت های مبارزه علیه تروریسم پاسخ می دهد یا خیر. همچنان در مورد تمایل "طالب" ها بهدف افزایش و ارتقای توانایی های نظامی و معضلاتی که در امر نظارت بر سلاح های سبک و سنگین موجود می باشد، ابراز شک و تردید بعمل می آید.

از جانب دیگر، با وجود ممنوعیت کشت خشخاش، تجارت مواد مخدر درحالی که دهقانان بی بضاعت برای جبران کمبود درآمد، به کشت محصولات جایگزین رو می آورند، اما رهبران ارشد "طالب" ها بمنظور دستیابی بسودهای هنگفتی، بگونه تب آلودی تلاش ورزیده و درزمینه از هیچگونه سعی و کوشش دریغ بعمل نمی آورند.

علیرغم فقدان یک سیستم منسجم و کارآمد بمنظور تعامل گسترده تری با جامعه بین المللی، اما "طالب" ها به برقراری تعاملات دوجانبه، بویژه در منطقه ادامه داده و با وجود عدم برسمیت شناختن آنها توسط جامعه بین المللی، در برخی از کشورها به تأسیس و برپایی نمایندگی های شان همچنان ادامه می دهند. در شرایط و وضعیت کنونی، کم از کم بتعداد ۶۱ تن از افراد تحریم شده در بالاترین رده های حاکمیت "طالب" ها اخذ موقع نموده اند.

بررسی های اجمالی گواه می دهد که بویژه در امتداد سال پسین، "طالب" ها نظارت شان را بمتابۀ دولت بالفعل در کشور تثبیت کرده اند. هیبت الله آخوند زاده بمتابۀ رهبر و امیر المؤمنین، موقعیتش را بیش از پیش تثبیت نموده است و این را بمفهوم تقویت موقف نامبرده و حاکم بودن مدل منحصر بفرد حاکمیت اسلامی در بیشترین بخش ها و مناطق کشور ما پنداشته و پیامدهای مثبت این تثبیت قدرت را ذیلن برمی شمارند: با وجود تداوم درگیری ها، تأمین صلح و ثبات در کشور، اما خصومت های فعال تا حد زیادی متوقف گردیده و کاهش قابل توجه فساد و تحدید کشت خشخاش، ارائه برخی از خدمات دولتی و مهمتر از همه اینکه اقتصاد ضعیف کشور تا هنوز از هم فرو نریخته. اما با اینهمه، انتقال به حکومتداری مسؤالانه و مؤثر به کندی انجام شده است. در وضعیت اینچنینی، بسیاری ها در این مورد تردید دارند که الگوی حاکمیت ایجاد شده توسط "طالب" ها تحت رهبری و هدایت هیبت الله بتواند مشکلات موجود در کشور را بدون اصلاحات قابل توجه در مدل موجود حکومتی حل نماید. علاوه بر تروریسم، معضلات متعددی شامل نیازها و انتظارات شهروندان کشور نیز می باشد که با بحران اجتماعی - اقتصادی، پلایای طبیعی پی اندر پی و تغییرات آب و هوایی دست و پنجه نرم می نمایند.

اما این مسأله شایان توجه پنداشته می شود که برخی از تعاملات عملگرایانه با مقامات بگونه بالفعلی، بویژه در مورد موضوعات مورد علاقه متقابل، عمدتن برای کشورهای منطقه امکان پذیر می باشد. با اینحال، سیاست ها و اقدامات "طالب" ها، همچنان اسباب نگرانی های جدی کشورهای همجوار را ببار می آورد. دول کشورهای منطقه و فراتر از آن، بگمان اغلب که درک مشترکی از آینده کشور ما ندارند. همچنین، میکانیزمی که به "طالب" ها امکانات تعامل گسترده تر با جامعه جهانی را فراهم نماید، تا هنوز ایجاد نگردیده است. چه، بسیاری از کشورهای، در این مورد اظهار نگرانی نموده اند که در اکثریت قریب بتمام سناریوها، کشور عزیز ما افغانستان بمتابۀ منبع نا امنی برای آسیای مرکزی و منطقه باقی خواهد ماند. تساهل مستمر "طالب" ها، بویژه در قبال طیفی از گروه های تروریستی مستقر در بسیاری از ولایت های میهن ما، شرایط را بیش از هر موقع دیگر بهدف گسترش تروریسم بکشورهای همجوار مساعد و مهیا می نماید که در نتیجه، منجر به تلفات سنگین جانی شده و سبب ساز وسعت و گسترش تهدید

های امنیتی بسراسر جهان خواهد گردید.

بسیاری از کشورها درحالی که اذعان داشتند "طالب"ها بمنظور مقابله با تهدیدهای موجود، به قابلیت های نظامی و جنگی نیاز دارند. آنها همچنان ابراز نگرانی نمودند که سطح مخارج امنیتی توسط مقامات، بگونه بالفعل با نیازهای داخلی کشورهمخوانی ندارد. "طالب"ها همچنان از یک گروه شورشی درحال تبدیل شدن به مسؤلان نهادهای دولتی می باشند. این مسأله که تا چه اندازه وبه چه معیاری درمسیرپادشده به موفقیت هایی نایل گردیده و تاچه حدی آماده اند تا سیاست های تنوکراتیک شان را با خواست های حاکمیت درسطوح ملی و بین المللی تعویض نمایند، اینها همه بمثابة پرسش های کلیدی توسط جامعه جهانی مطرح بحث می باشد. عده بیشماری از شهروندان کشوربه تقویت مداوم قدرت و صلاحیت های هیبت الله و برهمن بنیاد، بایدنولوژی سیاسی و مذهبی وهمچنین پرورش های تنوکراتیک آشکارحاکمیت "طالب"ها اشاره می نمایند. وضعیت اینچنینی، سبک رهبری سلف وی یعنی ملاعمررا چه دردوران شورش ویایگیری وچه دردوران تصدی کوتاه مدت "طالب"ها درقدرت دراواخردهه ۱۳۶۹ خورشیدی دراذهان تداومی می نماید. با وجودآنکه موقعیت کنونی آنها با ثبات ترو وضعیت جامعه امن تر بنظرمی رسد، اما این ستراتیژی به چالش های پیشروی "طالب"ها بمثابة دولت و حاکمیت واقعی اصلن پاسخ نداده و نیازها و انتظارات شهروندان کشور را بویژه درمقایسه با کشورهای همجوار برآورده نمی سازد. یکی از جمله دلایل عمده وقابل تذکر دراینمورد عبارتست از موجودیت تنش مداوم دردرون رهبری "طالب"ها و بمفهوم اخص کلمه میان محافل روحانی وقبیله بی نزدیک به هیبت الله وبرخی ازافراد واشخاصی که وفادار به تأمین امنیت وارانه خدمات عمومی، انکشاف اقتصادی کشوروتوسعه وبهبود روابط بین الدول می باشند.

برخی ها هم چنین می پندارند که تمرکز حیرت انگیز قدرت و صلاحیت ها درحیطه اوامرو دساتیرهیبت الله به طیف گسترده تری از اقدامات، از جمله جابجایی مداوم مقام های مدیریتی با درنظرداشت اصل وفاداری به هیبت الله، به معیارکلیدی مبدل گردید. نامبرده میزان نفوذ و دامنه شوراهای علمای ولایت ها را گسترش بخشید تا با استفاده از اینطریق، بگونه ای به ضرورت واهمیت پیروی بی چون وچرای هدایت ها ودساتیرامیر توسط دیگران را بصورت دوامداری، برخ دیگران کشد واین درحالی بود که تشخیص داد کاین به معنای نظارت کامل و مطلق نمی باشد. وی اشخاص وافراد وفاداربخودش را بسمت های عالی دررهبری وزارت خانه ها درکابل تعیین نمود تا از نحوه فعالیت ها وعملکردها وهمچنان از چگونگی اجرای عملی تصامیم نامبرده نظارت نموده و بوی درزمینه اطمینان دهند. او بگونه مؤثر از اداره دوفاکتو بمنظور اجرا ونظارت برتطبيق عملی احکام امیر استفاده نموده و سود می برد. وی همچنان بوزارت امربه معروف ونهی از منکرو رئیس ستره محکمه کشور بمنظور اجرا و نظارت بر اجرای احکام امیربه نهادهای مختلف اختیارات لازم قابل گردید.

چنین بنظر می رسد که حامیان وفادار، فرصت های اندکی بمنظور ابراز مخالفت دراختیار دارند. فعالیت های حلقه داخلی هیبت الله درکندهار، برای بسیاری ها همچنان مبهم باقی مانده است. تیم و حلقه رهبری "طالب"ها، هنوزهم فرآگیرپنداشته نمی شود. چه بیشترین تعداد آنها دربرگیرنده آنهاپی می گردد که درامتداد زمانی سال های پسین به هیبت الله وفادارباقی مانده وبه تحمیل سیاست ها وایدنولوژی منحصربفرد شان درسایرزمینه های زندگی اجتماعی - سیاسی جامعه افغانی مبادرت ورزیده اند که ازجمله میتوان ازانجام تلاش ها بمنظور ایجاد وپایه گذاری "مدرسه های جهادی" درولایت های کشوریادهانی بعمل آورد که عمدتن بمنظورتربیت و تلقین دانش آموزان جوان بربنیاد ایدنولوژی طالبانی طراحی شده است. همچنین اصطکاک اجتناب ناپذیری میان گروه های "طالب"ها بویژه در مسیر خطوط وشاخصه های قبیلوی وسیاسی نیزوجود دارد. بگونه نمونه چنین بنظر می رسد که آنعه ازافراد واشخاصی که بهر نحوی به هیبت الله نزدیک اند، بر دیگران ترجیح داده می شوند. وفاداری و تعهد به هیبت الله، بمثابة عامل تعیین کننده درتناقضات میان گروهی "طالب"ها پنداشته می شود. حاکمیت های کشورهای ذیدخل درقضایای کشورما دراین امرمتفق الرأی میباشند که بویژه درمیان مدت،هیچگونه تهدید جدی وقابل توجهی علیه قدرت هیبت الله اصلن موجود نمی باشد که خود بمفهوم ثبات معین ودرنتیجه آرامش نسبی تلقی می گردد. اما عده ای از شهروندان کشور، وضعیت موجود را بی ثبات و ناپایدار پنداشته ودرضمن بربنیاد نظرات برخی ازکشورها، خطرقابل توجهی ازرهگذر انجام رویدادهای غیرمستقیمی ازجمله فاجعه طبیعی، تظاهرات عمومی وایجاد ناآرامیها ویا وارد نمودن شوک ها و یا وارد گردیدن ضرباتی بیک اقتصاد ضعیف، بگونه طبیعی منجربه بازگشت خشونت های میان گروهی خواهد شد. اما بایست خاطر نشان نمود که درمورد جانشین احتمالی هیبت الله نیزحرف وحدیت هایی درمیان می باشد.

یکشنبه ۲۵ ماه قوس سال ۱۴۰۳ خورشیدی برابر با ۱۵ ماه دسامبر سال ۲۰۲۴ ترسای